

شور

مشورت

مشاوره

علی فرخ مهر

«سرو» سود می‌برند! می‌دانم! می‌دانیم، اما «تو» ایمن باش و امین و دلگرم و کوشا و شور و عشق و محبت را عیان کن و در خدمت این «بچه‌ها» از «سیه دلان» نترس! شور و مشورت و مشاوره، علاوه بر آن اعتقاد درونی و حفظ آن فطرت نیکو، «هنر» می‌خواهد. هنر نفوذ، هنر رخنه، هنر ارتباط، هنر راز داری، هنر جلب اعتماد، هنر تداوم دوستی و علاوه بر این همه هنر، دانش کار را می‌خواهد. تخصص می‌خواهد. شایستگی می‌خواهد. مشاوره به خصوص در امر بررسی مشکلات رفتاری کودکان و نوجوانان، می‌تواند گره‌ها را باز کند و بیهوده و عبث نیست. البته ضمانت اجرایی باید البته حمایت و مساعدت و امکانات مادی باشد. البته استفاده از اهل کار باید. البته سلامت و تعادل روانی مشاور باید. البته وجه و نفوذ کلام و پختگی مشاور، باید. البته دید مثبت‌نگری و عدم سوء ظن و عدم تنگ نظری، باید. البته تفاهم و هماهنگی و هم‌دلی «مشاور» و «مدیر» و «مری» و «مشاوره» باید. البته عدم تظاهر و عدم خودنمایی باید. البته قدرت شناخت انواع «نیازها» باید. البته، وجود فکر باز باید. البته وجود وقار، متانت، عدم آزمندی خود مشاور باید. البته انتخاب مشاور دور از قوم و خویش بازی و چون ناراحتی عضوی داشت، «او» را کردیم، مشاور!

«کلاس رفتن برای ایشان دشوار بود!!»

باید مشاوره دور از این معیارهای بی‌عیار باشد.

مشاوره و مشورت و شور، می‌تواند چراغ و آینه و بیرکه باشد. می‌تواند، به جای دوست و همراز و همدرد، خوش بنشیند و نافع باشد. به شرط این که «مراجع» احساس امنیت خاطر کند. به شرط این که «احساس اعتماد» کند. به شرط این که باری از دوش او برداشته شود و احساس کند که در خانه اگر «کس» است، یک «حرف» پس است!

دلتنگی می‌آید و افسردگی می‌آورد. حرمان و فشار و زور پر زور زندگی، کلاف سر در گم می‌سازد! انواع عوامل پیدا و پنهان، رخ نشان می‌دهد و چهره زندگی عیوس می‌شود و با دعای ناموافق از هر سوی و سمت، عرصه را تنگ می‌کند. تیرهای زهر آگین حسادت و بخل یا کمانه می‌کنند و یا چشم اسفندیار را نشانه می‌گیرند و یا به قلب آدم درست، می‌نشینند! باید آماده انواع نیشها بود: آماده نیش عقرب که مطابق طبیعت خود، می‌رود! باید در راه راستان بی‌هول و بی‌هراس رفت و جانانه رفت. البته که اگر وجود چون «بهار» دلریاگر دید، انواع تیر مسموم به سویت روانه می‌شود. اگر در شور و مشاوره و مشورت هم، در دیار خود، امین و مورد اعتماد و شهره شدی، «اهالی بخل آباد» تو را آسوده نمی‌گذارند و انواع مشکلات برایت می‌آفرینند و تو باید، باتوکل به «خدا» آن راه خوب و گره‌گشا را بروی و واهمه نکنی که باید ترک خیر کرد! مشاور و مشاور رازدار و مشاور دانا و آشنا به کار، سرچشمه زلال است که سود می‌رساند و فکر و تجربه و زبان و کلام و هنر مردمانی و هنر رخنه و نفوذ «او»، می‌تواند، «اثر مفیدگذار» شود. شور و مشورت و همفکری و تبادل اندیشه و پند و موعظه و کلام «نافذ» می‌تواند گره‌ها را باز کند و صلح و صفا و آشتی و سازگاری را به وجود آورد. چه کسی از خوب و از پاک و از صراحت لهجه و از حرف حساب، بیم و خوف دارد؟! ناپاک، خطا کرده، دروغگو، اهل تزویر و ریا.

بانیت خیر، باخלוص، بااعتقاد، با دلگرمی، در خدمت «کودکان و نوجوانان» باشید و فتنه‌گریهای «ناپاکان» شما را از مسیر خوب و راه خوبان، باز ندارد. می‌دانم که در بعضی از محیط‌های کوچک، و در بعضی از محیط‌های حقیر، آن کس که قد و قامت به سرفرازی کشید و سرو بارز گردید، به آفت بخل و حسد گرفتار می‌شود. می‌دانم اهالی بخل آباد، از کدام حربه برای سرنگونی